

معرفی کتاب



نظام حمایت اجتماعی در ایران:

چارچوبی برای افزایش کارایی و پرابری



• تألیف: سازمان بانک جهانی

• ترجمه: حسین مشیری

• ناشر: مؤسسه کار و تأمین اجتماعی

موضوع این کتاب، چالش‌های نظام حمایت اجتماعی در ایران است. این چالش‌ها در سه بخش بازار کار، نظام بان‌نشستگی و نظام مساعدت‌ها بررسی شده است. در هر سه بخش، وضعیت ایران با کشورهای مختلف مقایسه می‌شود و این یکی از نقاط قوت کتاب است. تحلیل بازار کار ایران و گنجاندن آن در نظام حمایت اجتماعی، نکته‌ای است که کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. بازار کار، معمولاً مستقل از نظام حمایت اجتماعی فرض می‌شود. در زمان تشکیل وزارت رفاه در ایران، این فرض به خوبی دیده می‌شود که نقش و اهمیت سیاست‌های بازار کار به عنوان بخشی از سازو کارهای توزیعی و حمایتی مورد توجه نبوده و این دیدگاه برای حل یکی از مسائل مهم اقتصاد ایران بسیار ضروری است. کتاب در پنج فصل سازماندهی شده است. فصل اول، مروری کلی بر ساختار نظام حمایت اجتماعی است که مفهوم سیاست‌های حمایت اجتماعی را تبیین کرده و در مورد کارکردهای اجزای مختلف نظام حمایت اجتماعی در چارچوب مدیریت ریسک اجتماعی بحث می‌کند. مفاهیمی که در سایر فصول به کار گرفته شده‌اند، در این فصل به طور مفصل بحث شده‌اند. فصل دوم، با سیاست‌های بازار کار و برنامه‌های مرتبط آن سروکار دارد. در این فصل، مسائل مرتبط نظام بیمه بیکاری و پاداش پایان خدمت مرور می‌شود. ضمن آنکه برنامه‌های بازار کار فعال نیز به طور مفصل مورد بحث قرار می‌گیرد (مساعدت جست‌وجوی شغلی، آموزش و برنامه‌های دستمزدی). اصول سوم و چهارم به ترتیب روی نظام‌های مستمری مشارکتی و غیرمشارکتی متمرکز شده و سرانجام فصل پنجم، برنامه‌های مساعدت اجتماعی را با تمرکز ویژه روی برنامه‌های کالایی و برنامه‌های مساعدت اجتماعی دولتی مورد مطالعه قرار داده است.



اعظم‌زنگی

روزنامه‌نگار

پای صحبت‌های ایرج راد و رفیق نصرتی

آیا چیزی به نام تئاتر کارگری وجود دارد؟

در میان هنرهای هفت‌گانه، تئاتر را هنر ششم می‌نامند؛ هنری که جنبه‌های مختلف و زیرشاخه‌های گوناگون دارد. در کشور ما تئاتر دانش‌آموزی، تئاتر دانشجویی، تئاتر جنگ، تئاتر عاشورایی و امثال آن سابقه‌ای طولانی دارد، اما آیا اساساً چیزی به نام تئاتر کارگری نیز در این زیرشاخه‌ها وجود دارد؟ برای پاسخ به این سؤال به سراغ رفیق نصرتی، نماینده‌نویس، مدرس دانشگاه و منتقد تئاتر و همچنین ایرج راد، رئیس خانه تئاتر رفتیم تا با گپ و گفت با آنها، جایگاه کارگران در تئاتر ملی ایران را در یابیم.

گفت‌وگو

تئاتر کارگری؛ دغدغه هنرمندان نیست

رفیق نصرتی متولد سال ۱۳۵۸ در سقز منتقد، نمایشنامه‌نویس و کارشناس ارشد ادبیات نمایشی از دانشگاه تهران و دانشکده هنرهای زیبا و عضو کانون ملی منتقدان کشورمان است. به عقیده او تهیه‌کنندگان و کارگردانان تئاتر ما هنوز دغدغه ورود به عرصه تئاتر کارگری را ندارند.

آیا به نظر شما در تئاتر امروز، ما حوزه‌ای به نام تئاتر کارگری داریم؟

خیر. چنین حوزه‌ای در تئاتر کشور وجود ندارد که به صورت تخصصی به تئاتر کارگری و مسائل و مشکلات این حوزه از جامعه که از قضا قشر وسیعی از جامعه را شامل می‌شود نیز بپردازد. البته در برخی اجراها در ادوار مختلف به صورت گذرا به حوزه کار و کارگر پرداخته شده و برخی کاراکترها در این نقش ظاهر شده‌اند اما اینکه در تئاتر کشورمان این حوزه تعریف و در آن گنجانده شده باشد؛ خیر چنین چیزی تاکنون مشاهده نشده است.

شما به عنوان یک منتقد تئاتر، دلیل این موضوع را در چه می‌دانید؟ آیا به نظر شما، سوژه کارگری سوژه‌ای است که در هنر تئاتر حرفی برای گفتن داشته باشد؟

ببینید این موضوع برمی‌گردد به حس و حال و شرایط جامعه و اینکه از نظر کارگردان تئاتر شرایط جامعه به چه

گونه‌ای است تا او از آن سوژه‌سازی و سوژه‌برداری کند، کار هنری خود را بر اساس آن ارائه دهد، تیم بازیگران خود را بر اساس آن بچیند و آن را در اثر خود جای دهد. در این مقوله، شرایط زمانی و مکانی و همچنین حس و حال جامعه بسیار دخیل و تأثیرگذار است. ما در هنر تئاتر، بخش‌های مختلف و اجراهای مختلفی داریم؛ تئاتر کمیک، تئاتر موزیکال، تئاتر کودکان و نوجوانان، پانتومیم، تئاتر حماسی و نوستالژیک، تئاتر عاطفی و... که در قالب‌های مختلف در زمان‌هایی خاص به مخاطب ارائه می‌شود. شاید بتوان گفت غیر از داستان‌های حماسی و رمان‌های جاوید در دل ادبیات جهان که اغلب دستمایه کارگردانان تئاتر قرار می‌گیرد، اتفاقات و رویدادهای روز جامعه است که خوراک تئاتر را فراهم می‌سازد. به عنوان مثال در زمان انقلاب، تئاتر انقلاب و در زمان دفاع مقدس، تئاتر جنگ سوژه داغ و به روز تئاتر بود؛ یا در ایام محرم و عاشورا، تئاتر حماسی و دینی سوژه‌ای داغ است. اما در مورد سؤال شما که حوزه کارگری چرا مغفول مانده، شاید به این دلیل است که این حوزه برای تهیه‌کنندگان سوژه‌ای جذاب و به عبارتی تماشاگر پسند نیست که آنان را جذب خود کند. نه اینکه این حوزه قابلیت کار نداشته باشد؛ خیر، بلکه به نظر گیری بالا و چندانی در جذب مخاطب مورد انتظار ندار؛ بنابراین کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد و به شاید به نوعی بتوان گفت به حاشیه رانده شده است.

اما ما در گذشته داشتیم افرادی که به صورت تخصصی وارد این حوزه می‌شدند؛ مانند مرحوم محمود استاد محمد. نظر شما چیست؟

بله داشتیم. اکنون هم داریم، اما همان‌طور که اشاره کردم، سوژه باید در شرایط زمانی و مکانی خاص خود قرار گیرد و ارائه شود تا با اقبال و استقبال مواجه شود. در موفقیت یک کار خوب و کلاس بالا، همه عوامل دخیل هستند و این موضوع در حوزه نمایش؛ به‌ویژه هنرهای نمایشی مانند تئاتر که ارتباطی زنده با مخاطب خود برقرار می‌سازد، بسیار مهم و تأثیرگذار است. خود شما در حوزه رسانه‌ای حتماً به این موضوع پی برده‌اید. تأثیری که یک کاریکاتور در انتقال پیام بر مخاطب خود می‌گذارد به مراتب بسیار بالاتر از خبر است که این موضوع تأثیر هنر بصری را بر بیننده روشن می‌سازد.

نظر شما در مورد آثار ارائه شده؛ چه در دوره حاضر و چه قبل از انقلاب چیست؟ بهتر بگوییم شما به عنوان یک منتقد تئاتر، اوضاع تئاتر در کشور را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ و اینکه آیا بهتر نیست حوزه کار و کارگر در تئاتر گنجانده شود تا مسائل و مشکلات این قشر عظیم از جامعه از زبان هنر تئاتر به بیننده منتقل شود؟ آیا این حوزه قابلیت کار بیشتری دارد؟

ببینید تئاتر و در کل هنر نمایش نه تنها در کشور ما بلکه

در کل دنیا، هنری است دوطرفه و متقابل. به این معنا که این هنر از دو بخش تشکیل می‌شود. یکی عوامل سازنده اثر است که همان‌طور که اشاره شد، اثر خود را بر پایه سوژه‌ای انتخاب می‌کنند و به نمایش می‌گذارند و دیگری که کمتر به آن پرداخته می‌شود، تماشاگر و مخاطب است. اوست که باید به قضاوت اصلی بنشیند و از اثری که به او عرضه شده احساس رضایت کند یا بالعکس با آن ارتباطی برقرار نسازد. در واقع هر اثر هنری برای مخاطب ارائه می‌شود؛ به‌ویژه هنر نمایش مانند تئاتر و سینما که در این بین تئاتر به دلیل ارتباط بسیار نزدیک بین تماشاگر و بازیگر و اجرای زنده و چهره به چهره در برابر تماشاگر نسبت به سینما از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. در عالم بازیگری در سینما نیز به همین گونه‌است. هنرمند تئاتری که وارد سینما می‌شود به دلیل اینکه در تئاتر کار کرده و ارتباطی زنده با مخاطب و تماشاگر برقرار کرده به مراتب موفق‌تر از هنرمندی است که تاکنون تئاتری اجرا نکرده و روی سن نرفته است. در مورد حوزه تئاتر کار و کارگر هم باید گفت باید روی این سوژه به صورت تخصصی کار کرد. یک طرف، ما داستان و سوژه کارگری داریم؛ اما در طرف دیگر باید تماشاگر آن را نیز داشته باشیم؛ تماشاگری که خود از این قشر است و یا به آن علاقه‌مند است و با این نوع کار ارتباط برقرار می‌سازد. آن وقت است که می‌توان شاهد ورود حوزه کار و کارگر در هنر تئاتر بود و ارتباط آن با تماشاگر را به قضاوت نشست.

به بیننده نشان می‌دهد که درگیر مشکلات خود و پیدا کردن راهی برای فرار و رهایی از مخمصه‌ای است که به آن دچار شده است.

به نظر شما آیا این حوزه که از قضا قشر عظیمی از جامعه را نیز تشکیل می‌دهد در هنر نمایش کشور ما کم‌رنگ نیست؟

بله. ممکن است این احساس به وجود آید که در لابه‌لای این همه سوژه چرا به حوزه کار و کارگر پرداخته نمی‌شود و یا اگر می‌شود همیشه کارگر در سایه یک نمایش قرار دارد و سوژه اصلی، او نیست که به نظر من این موضوع به نوع نگاه و بازتاب جامعه از قشر کارگر بازمی‌گردد. مگر سایر هنرها به این قشر نگاه بسیاری دارند که جای خالی آن فقط در حوزه نمایش به چشم می‌آید. همان‌طور که قبلاً عرض کردم سوژه‌یابی در تئاتر بر اساس شرایط روز جامعه است. اگر حوزه کار و کارگر در کشور باشد مطرح باشد شک نکنید که در تئاتر کشور نیز مطرح می‌شوند و تبدیل به سوژه اصلی تئاتر کشور خواهند شد و هنر تئاتر به این سمت سوق خواهد یافت. البته بودند در گذشته هنرمندانی که این حوزه را سوژه اصلی آثار خود قرار می‌دادند و امیدواریم از ظرفیت بالای این قشر از جامعه و بیان و به تصویر کشیدن مشکلات آنان در هنر نمایش کشور به‌ویژه هنر زنده تئاتر بیش از گذشته استفاده شود.

به کار و امی دارد. از گذشته‌های دور که هنر تخت‌حوضی و پرده‌خوانی در کشور ما رواج داشت تا به امروز یعنی هنر تئاتر کلاسیک؛ همه و همه بازتاب رویداد زمانه خود در قالبی هنری به مخاطبان است. اگر در خاطر داشته باشید در دوره‌ای که جنگ بود، تئاتر جنگ رواج و رونق فراوان و چشمگیری داشت. در ایام محرم و سوگواری سالار شهیدان، تئاتر عاشورایی وارد میدان می‌شود با آن حس و حال و شور و حال و تأثیر فراوانی که بر مخاطب می‌گذارد. بنابراین در هر دوره‌ای و هر فضایی، هنرمندان تئاتر با توجه به نیاز و خوراک هنری جامعه آثار خود را خلق می‌کنند. در اصل می‌توان گفت که خمیرمایه اصلی تئاتر در ادوار مختلف، رویدادها و اتفاقاتی است که در جامعه می‌افتد. اما اینکه به حوزه کار و کارگر اشاره کردید باید به این موضوع توجه داشته باشید که اکثر آثاری که در تئاتر در حوزه کار و کارگر ساخته شده و می‌شود بیشتر مشکلات و درد و رنج این طبقه از جامعه را برای بینندگان به نمایش می‌گذارد. کارگر در اکثر تئاترهای به اجرا گذاشته شده شخصی است از قشر ضعیف و همچنین کم‌درآمد جامعه که همواره سعی در بهبود اوضاع خود دارد و مبارزه برای به دست آوردن رزق و روزی حلال و خارج شدن از وضعیتی که به آن دچار شده است. نقش و شخصیت کارگر در نمایش تئاتر همواره کاراکتری را

سوژه تئاتر، بازتاب نیاز جامعه است

ایرج راد، ۷۶ ساله، دارای کارشناسی نمایش از دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، کارشناسی ارشد کارگردانی تئاتر از دانشگاه کاردیف ولز و عنوان درجه یک هنری از شورای ارزشیابی هنرمندان کشور است. او ۱۳ سال است که به عنوان مدیرعامل خانه تئاتر مشغول به کار است. او معتقد است اگر مقوله کار و کارگر، دغدغه اصلی جامعه ما بود، عملاً در تئاتر نیز به عنوان یک سوژه اصلی مورد دقت قرار می‌گرفت و کم‌رنگ بودن این سوژه در دنیای تئاتر ملی ما، بر گرفته از روحیه جامعه است.

آقای راد، شما به عنوان رئیس خانه تئاتر و همچنین هنرمندی که سال‌ها در این هنر فعالیت کرده‌اید، چرا در هنر تئاتر کشورمان حوزه کار و کارگر آنچنان که باید به آن پرداخته نشده و به نوعی مغفول مانده است؟

ببینید تئاتر هنری جامع و فراگیر است و حد و مرزی نمی‌توان برای آن تصور بود. تئاتر هنری است که همراه و همگام با مردم و جامعه و بیان مشکلات، نیازها و احساسات آنان پیش می‌رود. اینکه ما بگوییم فلان حوزه در هنر تئاتر جایی ندارد، به نظر حرف درستی نیست بلکه این نیاز و خواست جامعه است که هنرمندان تئاتر را به سوی خود می‌کشاند و